

Comparative Analysis of Iran-US Soft Power Sources in Iraq (2003-2020)

Golnaz Amjadi

PhD Student in International Relations, Faculty of Law and Political Science, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran Amjadi.golnaz@yahoo.com

Ali Bagherizadeh

Corresponding Author, Assistant Professor of Political Science and Faculty Member, Faculty of Law and Political Science, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran ali_bagherizadeh@yahoo.com

Ibrahim Anousheh

Assistant Professor of International Relations and Faculty Member, Faculty of Law and Political Science, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran. e_anooshin@yahoo.com

Abstract

The US military invasion of Iraq in 2003 and its occupation, while demonstrating US military superiority over Iraq, were a major challenge for the United States in maintaining its military gains, stabilizing its military position, and expanding it into the political, economic, and social. In addition to the United States, other countries in the region, including Iran, have been trying to take advantage of opportunities in Iraq to expand their sphere of influence. These developments led to intense competition in the field of soft power in Iraq between other countries. The present article addresses the question of what are the differences and similarities between the sources of soft power of the United States and Iran, which are the most influential actors in the Iraqi political scene? In this study, using a comparative method, referring to the sources of soft power between Iran and the United States in Iraq, it was hypothesized that common identity bases, including religious, historical and cultural commonalities have led to further consolidation of Iran's soft power in Iraq. Developments such as the emergence of a common terrorist threat (ISIS) have also paved the way for Iran to be more at the forefront of Iraq's soft power than the United States.

Keywords: *Iran, US, Iraq, Dimensions of Soft Power, Middle East*

تحلیل مقایسه‌ای منابع قدرت نرم ایران و آمریکا در عراق پساصدام (۲۰۲۰-۲۰۰۳)^۱

گلناز امجدی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران. Amjadi.golnaz@yahoo.com

علی باقری زاده

نویسنده مسئول، استادیار علوم سیاسی و عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران. ali_bagherizadeh@yahoo.com

ابراهیم انوشه

استادیار روابط بین‌الملل و عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران. e_anooshin@yahoo.com

چکیده

تهاجم نظامی ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳ و اشغال این کشور، گرچه نشان‌دهنده برتری نظامی آمریکا در قبال عراق بود، اما چالش مهمتری که آمریکا با آن مواجه بود حفظ دستاوردهای نظامی، پایداری وضعیت نظامی و بسط آن به حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود. علاوه بر آمریکا، سایر کشورهای منطقه از جمله ایران نیز به نوعی در تلاش بودند تا از فرصت‌های به وجود آمده در عراق برای گسترش عرصه کنشگری خود بهره بگیرند. این تحولات باعث گردید تا رقابت شدیدی در عرصه قدرت نرم عراق، بین سایر کشورها آغاز گردد. مقاله حاضر به این پرسش می‌پردازد که منابع قدرت نرم آمریکا و ایران که تأثیرگذارترین کنشگران بر صحنه سیاسی عراق به شمار می‌آیند، دارای چه افتراقات و اشتراکاتی بوده است؟ در این پژوهش با استفاده از روش مقایسه‌ای ضمن اشاره به منابع قدرت نرم ایران و آمریکا در عراق، این فرضیه مطرح شد که پایگاه‌های هویتی مشترک از جمله اشتراکات مذهبی، تاریخی و فرهنگی منجر به تحکیم بیشتر قدرت نرم ایران در عراق گردیده است. همچنین تحولاتی از قبیل بروز تهدید مشترک تروریستی (داعش) زمینه‌ساز پیشتازی بیشتر ایران در مقایسه با آمریکا در عرصه قدرت نرم عراق شده است.

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/ (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

تحلیل مقایسه‌ای منابع قدرت نرم ایران و آمریکا در عراق پساصدام (۲۰۲۰-۲۰۰۳) ۷۴۵

واژه‌های کلیدی: ایران، آمریکا، عراق، ابعاد قدرت نرم، خاورمیانه

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۱۴ تاریخ بازبینی: ۹۹/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۴

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹، صص ۷۴۳-۷۶۸

۱. مقدمه

به دنبال تهاجم نظامی آمریکا به عراق و سقوط رژیم بعث، ایالات متحده برای چندین سال در این کشور حضور نظامی داشت، اما نفرت مردم عراق هر روز بیشتر و بیشتر می‌شد؛ بعد از صدام، در مناطق مختلف عراق، شکل‌گیری گروه‌های نامتقارن همانند گروه‌های مبارز مسلح شیعی و جنبش‌های مسلحانه در مناطق سنی نشین، در راستای منافع امنیتی آمریکا نبود و چالش‌های جدی برای این کشور به وجود آورد. تکیه بر مردم در عرصه‌های نظامی - امنیتی، همواره مؤثرتر از وابستگی به قدرت نظامی - امنیتی خارجی بوده و از همین رو، حشد شعبی، علیرغم برخی مسایل، دارای دستاوردهای بزرگی در صحنه نظامی - امنیتی بوده است؛ به‌گونه‌ای که ناکارآمدی رویکردهای نظامی و امنیتی آمریکا را بیش از پیش آشکار ساخت و نگاه‌ها را به سمت «ایجاد امنیت بر پایه‌های ارزشی و مردمی» سوق داد، بنابراین یکی از مهم‌ترین ابعادی که مورد توجه ایالات متحده قرار گرفت «قدرت نرم» بود. این کشور در راستای افزایش نفوذ خود در عراق، بازسازی قدرت نرم خود را در دستور کار قرار داد و با اجرای سیاست‌های مختلف سعی نمود، تا وجهه و جذابیت خود را در عراق بازسازی کند، از طرفی جمهوری اسلامی ایران و عراق نیز کشورهایی محسوب می‌شوند که شیعیان بخش غالب جمعیت آنها را تشکیل داده و هویت شیعی بخشی از مناسبات روابط آنها را رقم می‌زند. روابط ایران و عراق در دوره پساصدام یکی از مصادیق بارز تأثیر هویت شیعی بر نزدیکی روابط دو کشور است. پس از سقوط صدام و متجلی شدن حاکمیت اکثریت شیعی، روابط سیاسی ایران و عراق وارد عصر جدیدی شد.

(سیفی و پورحسن، ۱۳۹۷، ص. ۴)

با سقوط صدام به عنوان بزرگترین مانع ارتباط شیعیان، روابط ایران و عراق تغییرات محسوسی کرد و شیعیان توانستند در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی با نفوذ قدرت نرم بین دو کشور، به شدت فعالیت کنند و روابط همکاری‌جویانه با توجه به اشتراکات قومی، زبانی و دینی ایران و عراق را فراهم آورند. (خواجه سروی و بهرامی، ۱۳۹۳، ص. ۹۵) با تسلط داعش در بخشی از قلمرو عراق، روابط ایران و عراق وارد مرحله جدیدی شد، لذا شکل‌گیری و گسترش حشد شعبی در عراق را باید یکی از مهمترین موضوعات در روابط ایران و عراق و هم‌چنین در عرصه نظامی - امنیتی علیه داعش شمار آورد. شیعیان ایران داوطلبانه برای کمک به شیعیان عراق با دولت عراق همکاری کردند.

۲. بیان مسئله

به نظر بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، دیپلماسی عمومی نمونه بارز و برجسته قدرت نرم است که به کشورها این امکان و ظرفیت را می‌دهد که در طرف مقابل نفوذ کرده و آن کشور را از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها تشویق به همکاری کنند. از دیگاه جوزف نای، از مشهورترین صاحب‌نظران این حوزه، یک چنین رویکردی در تعارض کامل با قدرت سخت قرار دارد که در آن سلطه از طریق نیروی نظامی پیشتاز است (Nye, 2003, p. 43).

بعد از حمله داعش به عراق، طرفداران و حامیان نیروهای بسیج مردمی عراق (حشدشعبی) از بُعد ایجابی به دنبال تقویت آن به اشکال مختلف هستند؛ زیرا به قدرت و توانایی آن واقف شده‌اند، در حالی که دشمنان آن، از بُعد سلبی به دنبال اضمحلال، تضعیف یا تقلیل نقش آن هستند؛ به‌گونه‌ای که آنها هم به قدرت و توانایی آن پی برده‌اند و در صددند تا به این پدیده وجهه‌ای قومی - مذهبی بدهند. البته باید اعلام کرد برخلاف رویکردهای آمریکایی‌ها و برخی کشورهای مناطق عربی نظیر عربستان سعودی در اعطای وجهه هویتی خاص به این جریان، حشد شعبی به راهی فرا قومی - مذهبی سوق یافته و میزانی از محبوبیت خود را از مناطق جغرافیایی غیرشیعی عراق به دست آورده است. این مهم بیش از هر چیز

در جریان برگزاری انتخابات مجلس ۲۰۱۸ عراق و اقبال افکار عمومی عراق به ائتلاف الفتح و السائرون، مشاهده شد.

۳. چارچوب مفهومی

۳-۱. **تقابل:** تقابل از مفاهیم کلیدی در عرصه روابط بین‌الملل است که معانی مختلفی از قبیل برابر شدن، روبروی هم واقع شدن، رویارویی، تضاد و تناقض دارد. (معین، ۱۳۸۷)

۳-۲. **قدرت نرم:** در اغلب منابع علمی اخیر، پیدایش قدرت نرم را از نظر مفهومی و طبقه‌بندی علمی، به آثار «جوزف نای» نسبت می‌دهند اما به نظر می‌رسد که بسیار پیش‌تر از آن، که او اصطلاح قدرت نرم را ابداع نماید، برتراند راسل، در کتاب «قدرت» ماهیت این قدرت را به تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. (ساعد، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۴) در توضیح بیشتر قدرت نرم می‌توان گفت که این نوع قدرت محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، تأثیرگذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع خویش ساختن و یا هرگونه اقدام غیر خشونت‌آمیز است که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هدف را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سرانجام منجر به تغییر در الگوهای رفتاری مورد نظر می‌کند. (نائینی، ۱۳۸۹، ص. ۶) در نگاهی کلی، برخی از تعاریف قدرت نرم عبارتند از: ۱. قدرت نرم، توانایی به دست آوردن خواسته‌ها از طریق مجذوب کردن به جای اجبار یا اختیار است و از طریق جذابیت‌های فرهنگی و ایده‌های سیاسی صورت می‌گیرد. (آدمی و ذوالفقاری، ۱۳۹۰، ص. ۱۹) ۲. تلاش برنامه‌ریزی شده، برای استفاده از ابزارها و روش‌های تبلیغی، سیاسی و روان‌شناختی، برای تأثیر نهادن بر حکومت‌ها و مردم کشورهای آماج، به منظور تغییر نگرش، ارزش‌ها و رفتارهای آنان را قدرت نرم می‌دانند (Fazio, 2007, p. 19) ۳- به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور اطلاق می‌شود که با به کارگیری ابزاری چون فرهنگ، آمال و یا ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها، اثر می‌گذارد.

۳-۳. **منطقه خاورمیانه:** این منطقه در کاربرد رایج خود کشورهای غرب آسیا و

شمال آفریقا را در بر می‌گیرد. خاورمیانه اصطلاحی است که پس از جنگ جهانی دوم رایج شد و گرچه اختلاف نظرهایی در رابطه با گستره آن وجود دارد، چه از این لحاظ که آیا این اصطلاح باید محدودتر شده و کشورهای عربی آفریقایی را مستثنی سازد و چه از این لحاظ که باید گسترده تر شده و جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی را شامل گردد، تعریف آن اغلب با مسامحه صورت می‌گیرد.

۳-۴. **حشد شعبی:** نیروی حشد شعبی را می‌توان به عنوان جدیدترین نیروی نظامی، ملی و عقیدتی در عراق و حتی منطقه قلمداد نمود که در حوزه مقاومت، همچون حزب الله لبنان، انصارالله یمن و حماس فلسطین توانایی بالایی دارد و در حال انجام کارکردهای مهم و نقشی محوری در تحولات نظامی و امنیتی کشور عراق، به طور خاص در جنگ با داعش می‌باشد. این نیرو از درون فتوای جهاد کفایی آیت الله سیستانی مرجع شیعه و هنگامی که داعش مناطق عمده ای از عراق را عرصه تاخت و تاز خود قرار داد، ایجاد شد.

۴. چارچوب نظری

قدرت یکی از مهمترین مفاهیم مورد استفاده از تبیین پدیده‌های سیاست خارجی است که از تعاریف و دسته‌بندی‌های مختلفی برخوردار است. رابرت دال معتقد است قدرت توانایی فرد یا گروه در ترغیب دیگران به انجام کاری است که در غیر این صورت انجام نمی‌داند. (Dahlt, 1996, p. 39) واژه قدرت مترادف با مفاهیمی چون کنترل، اقتدار، فرمان، تسلط، اختیار قانونی و توانایی انجام قضاوت و داوری به کار گرفته شده است. (Gove, 1986, p. 17) از نظر صاحب‌نظران قدرت انواعی دارد که می‌توان به پنج مورد تقسیم کرد: الف-قدرت مادی و قدرت معنوی ب- قدرت مشروع و قدرت نامشروع (مطهری نیا، ۱۳۷۸، ص. ۱۴۶) ج-قدرت منفی و قدرت مثبت (سنجابی، ۱۳۸۰، ص. ۷۶) د-قدرت بالقوه و بالفعل ه-قدرت نرم و قدرت سخت. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۶، ص. ۶۸)

قدرت نرم یا جنبه نرم‌افزاری قدرت یکی از جلوه‌های قدرت است که در اواخر قرن بیستم و متعاقب تغییر و تحولات جدید در نظام بین‌الملل مورد توجه واقع گردیده و توسط اندیشمندان لیبرال در ادبیات روابط بین‌الملل بسط یافته است. هر

چند که سایر اندیشمندان نیز در گذشته به این بعد از قدرت توجه کرده و در اندیشه‌ورزی‌های خود آن را به صورت غیرمستقیم مورد تأکید قرار داده بودند. به عنوان مثال کانت در دیدگاه صلح دموکراتیک اساساً به جنبه نرم‌افزاری قدرت توجه می‌کند و آن را تضمینی برای صلح و امنیت بین‌المللی در نظر می‌گیرد. گرامشی اندیشمند مارکسیستی نیز در نظریه هژمونی خود قدرت نرم را مورد توجه قرار داده است. (دشتگرد، ۱۴۰۰: ۲۲۴) قدرت نرم ابتدا به طور رسمی ابتدا در دهه ۱۹۹۰ توسط جوزف نای مطرح گردید و پس از آن در کارهای بعدی او توسعه یافت و به یکی از اصطلاحات مرکزی تحلیل سیاست خارجی تبدیل گشت. (J. Wilson, 2008, p. 114)

از نظر نای قدرت نرم زمانی شکل می‌گیرد که یک کشور منجر به این شود که دیگر کشورها چیزی را طلب کنند که آن کشور می‌خواهد. قدرت نرم در برابر قدرت سخت یا قدرت تحکم آمیز قرار دارد. قدرت سخت یعنی این که یک دولت آن چیزی را که خواهان آن است را از طریق فرمان دادن از دیگران طلب کند. (نای، ۱۳۷۸: ۱۳۳) بر اساس دیدگاه نای در عصر اطلاعات استراتژی ارتباطات اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و برآیندها و نتایج صرفاً بر اساس پیروزی و فتوحات ارتش شکل نمی‌گیرد بلکه این نتایج بر پایه پیروزی و فتوحات روایت‌ها است. برای مثال در مبارزه با تروریسم لازم است که یک روایت داشته باشیم که برای جریان اصلی جذاب باشد و از استخدام آنها توسط رادیکال‌ها جلوگیری کند. در مبارزه با شورشیان نیز قدرت نرم باید با قدرت سخت‌افزاری همراه باشد که به تسلط بر اذهان و قلوب اکثریت جمعیت کمک خواهد کرد. (Nye, 2013, p. 4)

بر این اساس منابع قدرت نرم بسیار متفاوت از منابع قدرت سخت است و از مجموعه قدرت فرهنگی، آموزشی، سیاسی و دیپلماتیک حاصل می‌شود. قدرت سیاسی شامل سیستم سیاسی، اهداف استراتژیک، ثبات اجتماعی، انسجام ملی، سیستم رهبری ملی و توانایی سازماندهی و انجام سیاست‌گذاری است. قدرت آموزشی و فرهنگی شامل منابع انسانی و کیفی توسعه، سرمایه‌گذاری در آموزش، سیستم آموزشی، قدرت رسانه و تلویزیون و روزنامه و تأثیر آن بر صحنه

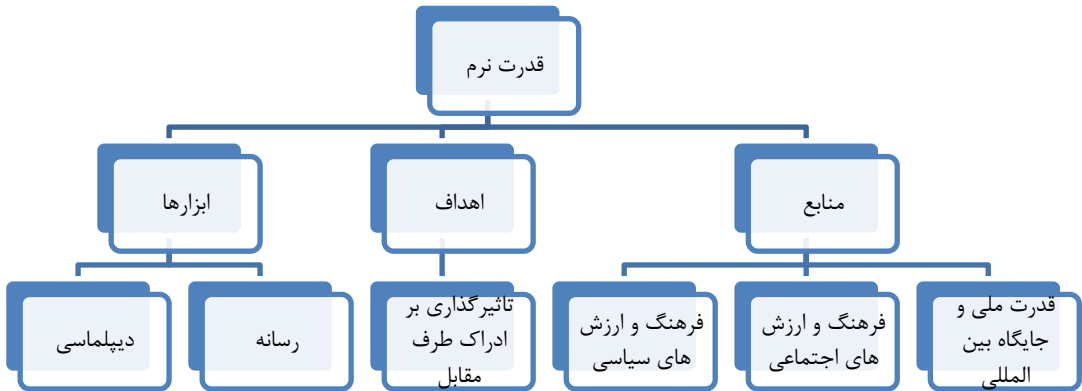
بین‌المللی است. قدرت دیپلماتیک نیز روابط خارجی، سیاست خارجی، فعالیت خارجی و ظرفیت حضور در جامعه بین‌المللی را شامل می‌شود. (Hanes and Andrei, 2015, p. 33)

نای عناصر قدرت نرم یک کشور را شامل سه مؤلفه اساسی فرهنگی، ارزشی و سیاسی می‌داند که هر یک از آنها می‌تواند زمینه را برای برتری یک کشور فراهم سازد. قدرت فرهنگی زمانی است که فرهنگ یک کشور باعث مسرت و خشنودی دیگران می‌شود قدرت ارزشی زمانی است که کشورها جذاب باشد و از قدرت جذب‌کنندگی برخوردار باشد و قدرت سیاسی نیز زمانی است که آن‌ها مشروع و فراگیر به نظر برسند. (Nye, 2009, p. 160)

به باور نای، قدرت نرم به معنای پتانسیل جلب و ترغیب است و نه اجبار و تحمیل؛ این به این معنا است که دیگران چیزی را طلب می‌کنند که ایالات متحده می‌خواهد. قدرت نرم بر خلاف قدرت سخت که توانایی اجبار و تحمیل ناشی از قدرت نظامی و اقتصادی در یک واحد سرزمینی است، ماحصل جذابیت فرهنگ (شامل ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم، آرمان‌های سیاسی حکومت است.) (Nye, 2003, p.63) واقعیت‌های کنونی نشان‌دهنده آن است که تأکید صرف بر قدرت سخت در قدرت افکنی، موقعیت پایداری در بر نداشته و نخواهد داشت. به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، قوی‌ترین کشورها، باقی نخواهند ماند مگر آنکه قدرت خود را به حق تبدیل کنند، ترجمان این گفته، تبدیل قدرت سخت به قدرت نرم است. (عسکری، ۱۳۹۰:۵۲) قدرت نرم از بعد رفتار، به موضوع جذب و تنظیم اولویت‌ها از حیث عناصر اولیه به ارزش‌ها، فرهنگ، سیاست‌ها و نهادها و از حیث سیاست‌های حکومت به دیپلماسی عمومی دوجانبه و چندجانبه بر می‌گردد. در آثار دیگر متفکران مطالعات قدرت قدرت نرم از ابعاد مشابهی با آثار نای برخوردار است. قدرت نرم از نظر مایسن دارای صفاتی است که آن را از سایر انواع قدرت متمایز می‌سازد. این صفات عبارتند از:

- قدرت نرم، فراگیر است
- قدرت نرم، تغییرپذیر است

- قدرت نرم، اقناعی است
- تهدید حاصل از قدرت نرم، دراز مدت است
- قدرت نرم از جنس فرهنگ است (مایسن، ۱۳۹۱، ص. ۵۳).



شکل شماره (۱): انواع قدرت نرم و ابزارهای آن

۵. منابع قدرت نرم و دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران

ایران در ابتدای پیروزی انقلاب به خوبی توانست از قدرت نرم خود در منطقه و جهان بهره ببرد و خصوصاً در کشورهای اسلامی منطقه طرفدارانی داشته باشد. مهم ترین شعارهای جمهوری اسلامی ایران، تشکیل حکومت بر مبنای باورهای دینی و مردم سالاری دینی، در چارچوب فکری رهبری انقلاب، امام خمینی (ره) است. از آنجا که گفتمان انقلاب اسلامی در ایران بر اخلاق تأکید دارد، در این حالت از توان جذب‌کننده‌ای برخوردار است و می‌تواند از طریق دیپلماسی عمومی، قدرت نرم ایران را تقویت نماید (Sharp, 2005, p. 115). به طور کلی می‌توان منابع قدرت نرم ایران را در چهار بخش مورد بررسی قرار داد:

۱-۵ دین (اسلام) و مذهب (شیعه): یکی از مؤلفه‌هایی که به صورت بالقوه از عوامل مهم در تقویت قدرت نرم و دیپلماسی عمومی ایران است، ارزش‌های

اسلامی و شیعی است. بعد از ورود اسلام به ایران و پذیرش آن توسط ایرانی‌ها و ترکیب مؤلفه‌های سازنده و مثبت فرهنگ ملی با آن، فرهنگ و هویت تازه‌ای به نام فرهنگ ایرانی-اسلامی شکل گرفت، این فرهنگ دینامیک و کارآمد پشوانه اتحاد درون سرزمینی و هویت‌بخشی به سرزمین ایران در برابر دیگر بازیگران منطقه ای بوده است. این ویژگی را هم چنین می‌توان در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به خوبی دریافت. (داداندیش، ۱۳۸۶، ص. ۵۴) جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از اتهام‌هایی مانند برانگیختن شیعیان منطقه علیه حکومت‌های سنی و متصل به غرب، بیشتر بر ارزش‌های مشترک در بین جامعه اسلامی، تأکید می‌کند که ضمن همسویی با نقش «ام القریبی» آن، حساسیت‌های کمتری را سبب می‌شود. (توال، ۱۳۸۴، ص. ۶۰)

۵-۲ تمدن و فرهنگ: در ویژگی تمدن ایرانی، عموماً تأکید بر فرهنگ و تمدن ایرانی است. از آنجا که ایران یکی از کشورهای دارای تمدن چند هزار ساله است، از ذخیره بسیار زیاد هویتی نیز برخوردار است. در بعد داخلی، اگرچه ایران دارای اقوام و گروه‌های متنوعی می‌باشد ولی هویت مشترک فرهنگی، زبانی و تمدنی موجب استحکام داخلی در این کشور شده است. در بعد خارجی، به طور قطع تقویت عناصر تمدن ایرانی مانند اسطوره‌ها، سنت‌های کهن، زبان و فرهنگ، به طور خاص در مناطقی که، در عرصه تمدن ایران قرار دارند می‌تواند موجب همگرایی بیشتر میان مردمان این مناطق شود (ملکی، ۱۳۸۷). بدون زبان مشترک، تداوم فرهنگی امکان‌پذیر نیست و فرهنگ به نسل‌های بعدی منتقل نمی‌شود. به همین دلیل زبان از یک سو ساخته فرهنگ و از سوی دیگر، بر سازنده آن است. از آنجا که یکی از مهمترین ابزارهای گفتگو، جذب و ترغیب توده‌های عراقی به مثابه اساس دیپلماسی عمومی، بهره‌گیری از زبان مشترک است، زبان فارسی، فرصت‌های فراوانی را در این عرصه پیش روی جمهوری اسلامی می‌گذارد. (پوراحمدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۳)

۵-۳ رفتار سیاسی: سیاست‌های اتخاذ شده توسط یک دولت، یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در قدرت نرم تلقی می‌شود. ایجاد جذابیت و نشان دادن چهره‌ای

موفق از یک کشور در داخل و تقویت این ایده در میان مردم یک کشور، به طور مستقیم در ایجاد تصویر بین‌المللی و ایجاد جذابیت برای مخاطبان خارجی (مردم عراق) تأثیرگذار است. مؤلفه‌هایی همچون کارآمدی دیپلماسی عمومی، میزان ارتباط مثبت با مجامع بین‌المللی، نحوه برخورد با موضوعات جهانی، میزان ارتباطات سیاسی، عکس‌العمل مناسب در برابر مسائل ناتوان‌کننده داخلی و خارجی و همچنین حجم میزبانی سازمان‌های جهانی، کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌ها می‌تواند معیارهای مطلوبی در راستای ارزیابی موفقیت یا شکست مؤلفه‌های سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به شمار آیند. در کنار عناصر مؤثری همچون مذهب و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران می‌تواند ارتقای نهادها و نمادهای جامعه داخلی، به نوعی تقویت درونی جامعه ایرانی و نظام جمهوری اسلامی ایران را در برابر چالش‌های احتمالی ناشی از این نقص ایمن نمود. (گلشن پژوه، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۲)

۴-۵ اقتصاد: یکی دیگر از مشخصه‌ها و مؤلفه‌های قدرت نرم هر کشور در نظام بین‌الملل، توان اقتصادی است. هر کشوری که بتواند الگوی مناسبی را اتخاذ نماید و رفاه و پویایی کشور خویش را تأمین کند، رشد اقتصادی مناسب، وجوه رفاه و در عین حال عدالت اجتماعی و افزایش نرخ امید به آینده مردم یک کشور، می‌تواند الگوی بسیار جذابی را در راستای جذب دیگران، بیشتر از دیگر مشخصه‌های قدرت نرم یک کشور همچون فرهنگ و یا اجتماع پدید آورد (Ross, 2002).

۶. ابعاد و مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در عراق پساصدام

اشتراکات فرهنگی و ایدئولوژیک ایرانی-عراقی، نیاز عراق به بهبود زیرساخت‌هایش با صرف هزینه کمتر، در کنار باز شدن درهای جهانی، جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش در بهره‌گیری از ابزارهای قدرت نرم در عراق ترغیب نموده است. با بروز تحولات جدید در عراق، نظام‌های سیاسی-امنیتی، فرهنگی و اقتصادی جدیدی در حال شکل‌گیری هستند. بر این اساس هریک از بازیگران صاحب نفوذ در عراق در حال مناسب‌سازی جایگاه منطقه‌ای خود می‌باشند؛ هر

چند ظرفیت‌های بسیار فرصت‌سازی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌آورد. از زاویه سیاست خارجی ایران در برخورد با عراق، فرصت اندک، درجه چالش‌های بالا و رقابت‌های بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای برای تقویت نقش و نفوذ خود در حال تقویت است؛ نتیجه منطقی ویژگی‌های فوق‌این است که دیپلماسی ایران در کوتاه‌ترین زمان باید از بهترین شرایط در جهت بهره‌برداری از فرصت‌ها و رفع چالش‌ها استفاده کند. مهمترین چالش‌های عراق جدید در جهت منافع ملی ایران، به مسائل ناشی از روند دولت‌های جدید و هم‌چنین نفوذ عربی-سنی و مهم‌تر از آن نفوذ نرم افزاری ایالات متحده آمریکا در عراق جدید است (برزگر، ۱۳۸۵، ص. ۱۴۳). جمهوری اسلامی همواره در صدد برآمد تا از مؤلفه‌های قدرت نرم، برای اثرگذاری بر تحولات عراق بهره‌برداری کند. برخی از مهمترین مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در عراق پساصدام عبارتند از موارد زیر:

۱-۶. حضور فعال گروه‌های مقاومت

گروه‌های مقاومت و به خصوص حشدالشعبی از مهمترین ابعاد قدرت نرم ایران در عراق می‌باشند. طرفداران و هواداران حشدشعبی از بُعد ایجابی به دنبال تقویت آن به روش‌های مختلف می‌باشند؛ چرا که به قدرت و توانایی آن پی برده‌اند در حالی که مخالفان آن، از بُعد سلبی در پی تضعیف و کاهش نقش آن هستند؛ به‌گونه‌ای که آنها هم به قدرت و توانایی آن آشنا شده‌اند و در صددند تا به این پدیده و جبهه‌ای قومی - مذهبی بدهند. برخلاف رویکردهای آمریکایی‌ها و برخی کشورهای عربی مانند عربستان سعودی در دادن وجهه هویتی خاص به این جریان، حشد شعبی به مسیری فرا قومی - مذهبی تغییر جهت داده و میزانی از محبوبیت خود را از مناطق جغرافیایی غیرشیعی عراق به دست آورده است. این مهم بیش از هر چیز در جریان برگزاری انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ عراق و اقبال افکار عمومی عراق به ائتلاف الفتح و السائرون، نمود یافت. از این رو، به نظر می‌رسد که اعمال الگوی حشدشعبی در سیاست، برای عبور عراق از چالش‌های هویتی - قومی امکان‌پذیر است. (Hesselink, 2019)

۲-۶. جمعیت بالای شیعیان عراق

شیعیان حدود ۶۰ تا ۶۵ درصد جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند؛ که به لحاظ دموکراسی عددی به معنای میزان جمعیت مساوی با میزان سهم در قدرت در عراق، باید وجه غالب را در حکومت داشته باشند. تحت تأثیر همین مسئله، پس از فروپاشی صدام و روی کار آمدن یک حکومت شیعه، تا حدود زیادی موانع همکاری میان ایران و عراق از بین رفت و به تدریج دو کشور در بعضی از مسائل به همکاری دست یافتند.

۳-۶. دیپلماسی سازنده ایران در قبال عراق

ایران که در بحران عراق، سیاست بی‌طرفی مثبت را اتخاذ کرده بود، تلاش کرد روابط خود را با حکومت جدید این کشور، به گونه‌ای عادی برقرار کند و با انجام مذاکرات، راه را برای بهبود روابط در آینده هموار سازد. ایران بعد از سقوط رژیم صدام، در بازسازی برخی از شهرها و مناطق عراق حضور داشته است. در سطح بین‌الملل نیز ایران در راستای فاصله‌گیری عراق از بحران به وجود آمده از نشست‌های وزرای امور خارجه همسایگان عراق که در عربستان و سوریه برگزار شده، حاضر بود و همچنین خود نیز به عنوان میزبان، با گردآوری همسایگان در جهت بهبود وضع عراق همت کرده است. (مریجی، ۱۳۸۶، ص. ۳۸) در موضع سیاسی، بعد از فروپاشی صدام، ایران بر تمامیت سرزمینی عراق اصرار کرد و همچنین دولت رسمی این واحد سرزمینی را مورد حمایت قرار داد. در زمینه مبادلات اقتصادی نیز هر دو بازیگر منطقه ای همکاری‌های کاملی با یکدیگر داشته‌اند (Hunter, 2010, p. 218)

۴-۶. مرجعیت شیعه:

مرجعیت شیعه در عراق همواره یکی از منابع تأثیرگذار داخلی بوده است و درباره اهمیت مرجعیت شیعه در عراق همین بس که برگ برنده مرجعیت، قدرت در به صحنه در آوردن مردم است و قدرتمندترین قطب سیاسی مطلق در عراق مرجعیت است. (رازانی، ۱۳۸۴، ص. ۱۰۸) برخی از صاحب‌نظران معتقدند که شیعیان عراق و مراجع دینی می‌توانند در مقام مهم‌ترین بازیگران خاورمیانه مدرن

نقش ایفا کنند. (Gerecht, 2004, p. 18). تکوین حشد شعبی و مشارکت گروه‌ها و احزاب مختلف قومی - مذهبی در قالب اصلی آن به همراهی جمهوری اسلامی ایران مبنایی‌ترین تحول در حوزه سیاسی - امنیتی عراق پس از تهاجم داعش تلقی می‌شود که ویژگی‌های اساسی آن مرجعیت محوری و مردم‌محوری می‌باشد.

۵-۶. قرابت قومی و ملی با بخشی از جمعیت عراق

کردهای عراق نیز یکی از اقوام ایرانی محسوب می‌شوند. پس از سقوط صدام حسین، ایران کردها را به مشارکت در حکومت مرکزی و جلوگیری از پیگیری سیاست‌های گسترش طلبانه تشویق کرد و در جهت اعمال راهبرد خود، در این محدوده به تقویت روابط اقتصادی با کردها، گسترش توانایی اطلاعاتی خود در مناطق شمالی عراق و سرمایه‌گذاری به طور خاص در مناطق سلیمانیه دست زد.

۶-۶. ابزار دانش در عراق جدید

جمهوری اسلامی ایران با توجه به پیشرفت‌های بزرگ علمی و تکنولوژیکی اش از این ابزار برای نفوذ در کشورها به ویژه عراق برای بهبود قدرت نرم خود استفاده کرده است. برای مثال کشورهای منطقه به ویژه عراق با توجه به پایین بودن هزینه، ترجیح می‌دهند از سرمایه و متخصصان ایرانی برای احداث زیر ساخت هایشان مانند سدسازی، جاده سازی، ارتباطات رادیویی، تجهیزات نظامی و... استفاده کنند. (حسین آبادیان، ۱۳۹۴، ص. ۵۵)

۷-۶. ابزار فرهنگ در عراق جدید

جوزف نای در کتاب «کاربرد قدرت نرم» بر این عقیده است که: قدرت نرم توجه ویژه‌ای به درگیری ذهنیت سیاسی کشور دیگر از طریق شکل‌گیری جذاب بودن است و نیز زمانی یک کشور به قدرت نرم متوسل می‌شود که بتواند اطلاعات و بینش را به منظور خاتمه دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به گونه‌ای ایجاد کند که از آنها امتیاز بگیرد. (جوزف نای، ۱۳۸۲، ص. ۱۰) جمهوری اسلامی ایران به اعتبار ایرانی بودن و اسلامی بودن و تاریخچه غنی که در پشت سر دارد، استعداد قابل توجهی در ایجاد جذابیت در عراق و منطقه خاورمیانه دارد.

۶-۸. ایدئولوژی همراستای ایران و عراق

ایدئولوژی تشکیل‌دهنده قدرت، معیارها و ضوابط مشخص و معینی است که در اختیار سیاستگذاران قرار می‌گیرد تا بر اساس آن چهارچوب هدف‌ها و منافع ملی خویش را ترسیم نماید. در واقع در بسیاری از مواقع این ایدئولوژی‌ها هستند که مرز میان کشورها را مشخص می‌کنند. مبانی چون نفی تسلط بیگانگان، عدالت و پیوند دین و سیاست سرلوحه سیاست خارجی ایران قرار گرفته و در جهت افزایش قدرت نرم استفاده می‌گردد. (قوام، ۱۳۸۰)

۶-۹. پیوند دین و سیاست بین ایران و عراق جدید

بیشترین تأثیر ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران به دلیل اشتراکات فراوان با کشورهای منطقه خاورمیانه و به خصوص کشور عراق است. امروزه مذهب نقش مهمی را در ایدئولوژی ایران پیدا کرد و به عنوان زبان قدرت سیاسی معرفی شده است. تعریف جدیدی که ایران از سیاست به کشورهای منطقه معرفی کرده، باعث شد که بسیاری از شهروندان منطقه خاورمیانه با الهام گرفتن از ایران، خواستار پررنگ شدن نقش مذهب در امور داخلی و خارجی شان شوند، تا جایی که در برخی از این کشورها شاهد درگیری فرقه‌ای بودیم. (پوراحمدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۴۷)

۶-۱۰. نفی تسلط قدرت‌های خارجی در ایران و عراق پساصدام

یکی از اصولی که پس از انقلاب اسلامی به آن توجه شد، جلوگیری از تسلط کشورهای بیگانه بر امور مسلمانان بود. شعاری که از آن زمان همواره سرلوحه سیاست خارجی ایران قرار گرفت، نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی بود. به این قاعده «نفی سبیل» می‌گویند. این اصل، فرصتی را در اختیار جمهوری اسلامی قرار داد تا به خصوص در میان ملت‌های مسلمان که از وابستگی شدید حکامشان بسیار ناراضیتی داشتند، نفوذ کرده و آنها را همسو و همراه با خود نماید. (پوراحمدی، ۱۳۸۹، ص. ۸۹)

۶-۱۱. عدالت‌ورزی ایران در عراق پساصدام

عدالت‌ورزی، بخش مهمی از هویت اسلامی و ایرانی جمهوری اسلامی ایران را

شامل می‌شود. بر این اساس ایران را می‌توان به عنوان یک واحد سیاسی عدالت‌گرا و عدالت‌جو معرفی کرد که این ارزش به نوعی در اتخاذ بعضی از جهت‌گیری‌های سیاست خارجی همچون حمایت از مستضعفان و حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و ... تجلی دارد. (پوراحمدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۴)

۷. منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم آمریکا در عراق پساصدام

منطقه غرب آسیا چالشی ویژه برای قدرت نرم آمریکا به شمار می‌آید. در عین حال منطقه غرب آسیا غوطه‌ور در ارتباطات مدرن است که بیشترین نگرش ضد آمریکایی در میان مردمان این منطقه وجود دارد. این منطقه چالشی خاص را متوجه قدرت نرم و دیپلماسی عمومی می‌کند. لذا راهبرد بلندمدت برای تغییر عراق و غرب آسیا بدون برخورداری آمریکا و دیگر کشورهای درگیر در حوزه عراق از قدرت نرم، موفق نخواهد بود. (هینوبوش، ۱۳۸۲، ص. ۷۲) قدرت نرم مرتبط به خواست دریافت کنندگان آن نیز است و شکاف‌های فرهنگی بین ایالات متحده و اروپا به گستردگی اختلافات بین ایالات متحده و کشورهای غرب آسیا نیست. لامیس آندونی تحلیلگر سیاسی الجزیره در مقاله‌ای می‌نویسد: سیاست آمریکا در جهان عرب و دولت‌های مسلمان کاملاً با هزیمت روبه رو شده است. به نظر می‌رسد که قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در جهان اسلام و جهان عرب قادر به تغییر اوضاع نیست بلکه تنها راه حصول موفقیت، تغییر سیاست‌ها است. (Ayubi, 1991, p. 88). دیوید هافمن در مقاله‌ای تحت عنوان «فراتر از دیپلماسی عمومی» در مورد شکست قدرت نرم و دیپلماسی عمومی آمریکا نوشت: ایالات متحده مشغول باختن جنگ تبلیغاتی بوده و به تروریستی مخفی تبدیل گردیده است، در حالی که رسانه‌های دولتی و مدارس اسلامی سرگرم انجام تبلیغات گسترده ضد آمریکا هستند. ضرورت ایجاد می‌کند که دولت از رسانه‌های آزاد محلی، دموکراسی، جامعه مدنی در جهان اسلام و خاورمیانه پشتیبانی نماید. هافمن بر این باور است که کمک به این قبیل کشورها برای تقویت قدرت نرم و مدرن ساختن آنها بسیار اثربخش‌تر از برنامه‌های معمولی رادیویی و تلویزیونی

دولتی است که مخاطب آن مردم غرب آسیا هستند و خارج از منطقه بحرانی آنها، برنامه ارسال می‌شود. (منصوری، ۱۳۸۵، ص. ۶۷) بسیاری از عرب‌ها از سیاست‌های آمریکا وحشت دارند، دچار سوتفاهم در مورد آن شده‌اند و با آن مخالف هستند. هر چند زمینه‌های استفاده از قدرت نرم امکان دارد اما آمریکا در زمینه ارتباطات به نحوی عجیبی در بهره‌گیری از این فرصت‌ها از خود ناشیگری بروز داده است. (میر طاهر، ۱۳۸۳، ص. ۳۳) با توجه به تصور مردمان غرب آسیا از آمریکا به عنوان مداخله‌گری ضداسلامی و ضد عربی و با توجه به نفوذ گسترده ارتباطات در افکار عمومی کشورهای این منطقه و نقش این ارتباطات در افزایش آگاهی و یادگیری مردم، به نظر می‌رسد که سیاست نرم آمریکا در غرب آسیا با چالش جدی مواجه شده است (مظفری، ۱۳۸۴، ص. ۱۱۹).

با عنایت به آنچه گفته شد، قدرت نرم ایالات متحده آمریکا در عراق به طور کلی متأثر از عوامل و مؤلفه‌های ذیل است:

۷-۱. قدرت نرم آمریکا در حوزه فرهنگی

یکی از مهم‌ترین عناصری که جذابیت فرهنگی ایالات متحده را در نزد مردمان دیگر کشورها هم چون عراق و منطقه خاورمیانه افزایش می‌دهد، تجربه زیست این مردمان و شرایطی است که جامعه عراق در آن قرار داشته و یا آن را پشت سر گذرانیده است. بدین ترتیب هر اندازه مردمان یک جامعه در فضای بستر سیاسی، محروم از رعایت حقوق بشر و متأثر از سیاست یکسان سازی فرهنگی و قومی و نادیده گرفتن کثرت‌گرایی فرهنگی و تنوع قومی، تجربه زیست مشترک داشته باشند، همان قدر هم جذابیت فرهنگی ایالات متحده افزایش پیدا می‌کند. عناصر فرهنگی آمریکا در عراق به تدریج در میان مردم و به ویژه نسل تحصیل کرده و جوان این کشور خلق قدرت نرم کرده و تصویر ایالات متحده آمریکا در اذهان مردم عراق دچار نوعی پارادوکس گردید. زیرا از یک طرف، ایالات متحده آمریکا کشوری بود که عراق را اشغال کرده بود و از سوی دیگر، کشوری بود که سایه رژیم دیکتاتوری حزب بعث را از جامعه عراق برداشته و از نظر فرهنگی با توجه به تجربه زیست مردم عراق، فرهنگ عامه این کشور خلق جذابیت می‌کرد.

(مظفری، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۲)

۲-۷. عامل سیاست

سیاست به عنوان دومین حوزه قدرت نرم، به کاربست قواعدی مشخص برای نیل به اهداف سیاسی یا در حالت کلی قدرت اشاره دارد. آنچه در تعریف سیاست به عنوان منبعی برای قدرت نرم باید در نظر گرفته شود، این است که سیاست خود در یک ساخت فرهنگی و اجتماعی و به عبارتی دیگر در یک بستر فرهنگی اتفاق می‌افتد. لیبرالیسم به عنوان بنیانی‌ترین مؤلفه سیاسی ایالات متحده آمریکا، در بردارنده حقوق و آزادی اجتماعی است که در قالب دموکراسی بازنمایی شده است و این بستر فرهنگی از طریق ارزش‌های سیاسی خود بایدها و نبایدهای عرصه سیاسی را تشکیل می‌دهد. (قوام، ۱۳۹۰، ص. ۵۵) در راستای اجرای اصول قانون اساسی و برگزاری انتخابات و چرخه قدرت در میان نخبگان سیاسی، در سال ۲۰۰۵، نخستین انتخابات پارلمانی در عراق برگزار شد و در ژانویه سال ۲۰۰۵ برای نخستین بار مردم عراق به پای صندوق‌های رأی رفتند. (یزدان فام، ۱۳۹۳، ص. ۳۴) از دیگر سیاست‌هایی که ایالات متحده در جهت بازسازی چهره خود در عراق انجام داده است، حمایت از اعتراضات اکتبر ۲۰۱۹ به بعد در عراق و تلاشی بوده است که این کشور در جهت جلب حمایت معترضان عراق داشته است. همچنین ایالات متحده آمریکا با تلاش در ضد ایرانی جلوه دادن اعتراضات عراق، سعی در کاهش نفوذ ایران و حمایت از معترضان عراقی برای بازسازی چهره خود در عراق داشت (The white House, 2019)

مقامات آمریکا در موقعیت‌های مختلفی، جمهوری اسلامی ایران را هدف اعتراضات در عراق معرفی کرده‌اند و برای این امر گروه‌های مقاومت طرفدار ایران را هدف حملات سیاسی و رسانه‌ای قرار داده‌اند. (Martini & Tabatabai, 2019) با وجود همه اینها، موفقیت یا عدم موفقیت آمریکا در این سیاست، نامشخص است. به عنوان مثال حملات مکرر مردم و گروه‌های عراقی به تأسیسات و سفارت آمریکا در عراق، بیانگر عدم موفقیت نسبی ایالات متحده است.

۷-۳. دولت‌سازی آمریکا در عراق

از آنجا که تأثیر و تأثر دولت و جامعه مدنی به یکدیگر در مورد موضوع پشتیبانی از حقوق بشر غیرقابل انکار است، به همین دلیل ساختارسازی یک دولت طرفدار غرب، قویترین چیزی است که پس از فروپاشی صدام در دستور کار آمریکا قرار گرفت، ضمن اینکه موضوع رابطه دولت و جامعه مدنی در قضیه عراق به شدت تحت تأثیر نیروی سوم یعنی ایالات متحده قرار داشت. به همین دلیل، کنترل و عدم کنترل چالش‌های این دولت در پشتیبانی از حقوق بشر نیز تحت تأثیر این نیروی سوم است. عراق جدید بستگی به آن داشت که ایالات متحده بتواند، بر فکر، اندیشه و ساختارهای ارزشی و هنجاری این کشور اثر گذارد. (Nye, 2002, p. 552)

۷-۴. مبانی حقوق بشر، ارزش‌های آمریکایی و دموکراسی

قدرت نرم آمریکا به شکل عمده، برآیندی از فرهنگ آمریکایی، ارزش و مشروعیت در سیاست‌هایش و به عبارتی به عنوان مجموعه آن کشور در نظر گرفته می‌شود. (نای، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۲). سنت لیبرالیسم جان لاک آنقدر در زندگی آمریکایی‌ها حضور دارد که ترویج دموکراسی قراردادی را در خارج از مرزهای کشور خواست مهم خود به شمار می‌آورد؛ این مسئله از اندیشه‌هایشان سرچشمه گرفته و سیاست آن‌ها را جهت می‌دهند. در واقع ایالات متحده این ارزش‌ها و سنت‌ها را در جهت اعمال مصادیق حقوق بشر در قالب چارچوبی خاص به غرب آسیا ارائه می‌دهد؛ هر چند روندپژوهی سیاست حقوق بشری ایالات متحده نشان از یک قدم به جلو (نهادینه کردن مبانی دموکراسی و حقوق بشر در داخل و گسترش آن به خارج از مرزها) و یک قدم به عقب (برخوردهای متناقض و استانداردهای دوگانه در برابر کشورها در زمینه گسترش حقوق بشر) داشته است. (Dietrich, 2006, p. 269) ولی همواره از این دولت به عنوان چهره شاخص حقوق بشر در سیاست خارجی یاد می‌کنند. در زمینه روابط خارجی (مؤلفه سوم قدرت نرم)، آمریکا با توجه به توانمندی‌های دولت‌های غرب آسیا و عدم توجه حکمرانان عرب به ویژه عراق، به مسائلی چون حق تعیین سرنوشت و آزادی‌های

بنیادین افراد در راستای دگرگونی‌های جزئی برای حفظ و جلب نظر مردم کوشش می‌کند تا با استفاده از ابزارهای مختلف طیف گسترده‌ای از اقدامات را در جهت هدایت اهداف حقوق بشری خود در چارچوب قدرت نرم در غرب آسیا به کار گیرد. (Freeman, 2011, p. 9)

۷-۵. وابسته‌سازی ساخت سیاسی

آمریکا در قالب راهبرد دولت الگو، پس از فروپاشی رژیم صدام، تلاش کرد در چارچوب رویکرد نظامی - امنیتی خود، نظم جدیدی در این کشور ایجاد کند و ضمن تغییر ساختار نظامی - امنیتی عراق، آن را به خود وابسته نماید؛ بر این اساس در گام نخست باید ساختارها و نهادهای سیاسی - امنیتی پیشین حذف می‌گردید تا ساختارهای سیاسی - امنیتی جدید ایجاد و شکل گیرند. آمریکا پس از سقوط صدام و بلافاصله پس از ورود پل برمر به عراق، انحلال ارتش را اعلام کرد. علاوه بر انحلال ارتش ۳۰۰ هزار نفری، بیش از صد هزار نفر دیگر که به روش‌های مختلف در سرویس‌های اطلاعاتی، گارد ریاست جمهوری و سایر نهادهای نظامی و امنیتی و اطلاعاتی صدام خدمت می‌کردند، بازنشسته شدند. (اسدی، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۳)

نتیجه‌گیری: تحلیل مقایسه‌ای رقابت چندسطحی آمریکا و ایران در عرصه عراق
خطوط کلی استراتژی آمریکا در خاورمیانه را می‌توان در چند مورد برشمرد که «تأمین امنیت و تضمین بقای اسرائیل» یکی از مهمترین موارد آن به شمار می‌آید. بی شک روابط ویژه‌ای بین اسرائیل و آمریکا وجود دارد که نظیر آن در روابط آمریکا با هیچ کشور دیگری وجود ندارد. ماهیت این رابطه و منشاء و بنیان‌های آن هر چه باشد، تصور عدم حمایت آمریکا از اسرائیل در مقابل حملات احتمالی همسایگان، چندان محتمل نمی‌نماید. «حفظ جریان انرژی و نفت» از دیگر اهداف راهبردی آمریکا در منطقه و به خصوص در قبال عراق است. فعالیت و رشد اقتصادی جهان معاصر به شکلی اجتناب‌ناپذیر با نفت و فرآورده‌های نفتی، پیوند یافته است. اختلال در جریان انتقال انرژی از منطقه غرب آسیا به عنوان یکی از مراکز اصلی تأمین انرژی جهان، افزایش شدید قیمت نفت و رکود اقتصادی را در

پی خواهد داشت. وضعی که در آن آمریکا به عنوان بزرگترین اقتصاد جهان بیشترین ضرر را متحمل می‌شود. «جلوگیری از ظهور قدرت های ضد آمریکایی» یکی از دیگر از محورهای مهم استراتژی آمریکا در منطقه است. تهدیدهایی که در برخی مواقع برخی کشورهای نفت خیز و یا گروه‌های اسلام‌گرا و رادیکال درباره استفاده از نفت به عنوان سلاح علیه غرب انجام می‌دهند، از چشم آمریکاییان دور نمی‌ماند و اغلب جدی گرفته می‌شود. بنابراین قدرت‌گیری چنین کشورها و گروه‌هایی، آمریکایی‌ها و به طور کلی جهان غرب را مضطرب ساخته است. در عین حال، دستیابی قدرت های رقیبی چون روسیه به منطقه هم می‌تواند تهدیدی مشابه محسوب شود. «حمایت از رژیم‌های موافق و هماهنگ با آمریکا» یکی دیگر از روش‌های آمریکا در تأمین منافع خود در منطقه است چرا که جلوگیری از قوت‌گیری افراط‌گرایی و یا نفوذ دولت‌های رقیب در منطقه، مستلزم حمایت از رژیم‌هایی خواهد بود که طرف‌دار غرب هستند. در چارچوب این استراتژی‌ها، اصلی‌ترین چالش آمریکا، حضور قدرتمند ایران در منطقه است. به عنوان مثال آمریکا از همان آغاز شکل‌گیری تظاهرات در عراق، همواره تلاش داشته تا تظاهرکنندگان به ویژه شیعیان جنوب این کشور را به سمت شعار علیه ایران سوق دهد. آمریکا این استراتژی را در قبال لبنان نیز به کار برده است.

تشدید رقابت راهبردی بین ایران و آمریکا که بخشی از آن در عرصه نرم بوده است، منجر به بروز تحولات مهم در عراق شده است. محاصره سفارت آمریکا، حمله به پایگاه‌های این کشور در شمال عراق و نقش‌آفرینی مجدد گروه‌های مقاومت در تشکیل کابینه، همگی نشان از تضعیف حضور آمریکا در عراق داشتند. مواضع ایران مبنی بر «طرد اشغالگران»، مورد پذیرش بخش قابل توجهی از جمعیت عراق شد که منجر به واکنش‌های شدیدی از جانب آمریکا گردیده است که یکی از آنها ترور سردار سلیمانی بود. گر چه ایران می‌توانست پاسخ شدیدتری به اقدام آمریکا دهد، اما ضرورت وحدت در عراق و فراهم شدن امکان بیرون راندن نیروهای آمریکا از عراق، مانع از واکنش شدید ایران گردید. این تحولات در کنار رقابت چند ساله ایران و آمریکا در عرصه قدرت نرم عراق، در نهایت

باعث شد تا توازن قدرت نرم به نفع ایران تغییر کند.

در دیپلماسی عمومی ملی و فراملی نظام جمهوری اسلامی چهار عامل راهبردی وجود دارد که روابط مختلف بر پایه آنها ایجاد شده‌اند، این عوامل عبارتند از: عوامل سیاسی، عوامل فرهنگی، عوامل دینی و عوامل امنیتی و نظامی؛ که در مرتبه رسمی و از منظر نظام بین‌الملل تعیین‌کننده سیاست خارجی و در سطح غیررسمی با استفاده از عوامل فراتر از دولتی، تشکیل‌دهنده دیپلماسی عمومی و قدرت نرم نظام هستند. گرچه عوامل مزبور در ساختارهای متفاوت همگرایی لازم را دارند، اما ظهور هر عامل بستگی به درجه و شدت روابطی دارد که بر پایه آن عامل یا عوامل دیگر با یکدیگر دارند. با توجه به تصور مردم عراق از آمریکا به عنوان کشوری ضد اسلامی و ضد عربی، به نظر می‌رسد که سیاست نرم آمریکا در عراق با چالش جدی مواجه شده است؛ اگرچه شبکه‌های رسانه‌ای طرفدار آمریکا به تبلیغات گسترده‌ای در راستای منافع ملی آمریکا دست زده‌اند ولی در عمل سیاست‌های آمریکا عملاً باعث به حاشیه رفتن قدرت نرم و جذابیت‌های این کشور شده است.

گروه‌های عراقی با تمرکز بر «امنیت مردم‌پایه» دستاوردهای بسیاری در مقایسه با سایر نیروهای «در حال مبارزه با تروریسم» حاضر به دست آورده‌اند. همزمان، ایالات متحده آمریکا با تلاش در ضد ایرانی جلوه دادن اعتراضات عراق، سعی در کاهش نفوذ ایران دارد. ایالات متحده آمریکا با حمایت از معترضان عراقی، برای بازسازی چهره خود در عراق و کاهش نفوذ ایران، عراق را به صحنه رویارویی با ایران تبدیل کرده است. با این وجود در داخل عراق به نظر نمی‌رسد آمریکا بتواند در توازن قدرت تغییری ایجاد کند چرا که ابزارهای تغییر را در اختیار ندارد؛ این امر خواسته یا ناخواسته فرصتی بالقوه را برای ترویج قدرت نرم ایران در عراق فراهم کرده و با توجه به ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه و عراق جدید، ایران بخش قابل توجهی از منطقه خاورمیانه و همچنین عراق را به خود جذب کرده و این نشان‌دهنده موفقیت جمهوری اسلامی ایران در زمینه قدرت نرم در منطقه و همچنین عراق پساصدام است.

فهرست منابع

منابع فارسی

آدمی، علی و ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۰). اثرگذاری قدرت نرم در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۹، بهار.

پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹). رویکردهای اقتصادی به ضرورت تغییر الگوی تولید و مصرف با تاکید بر نقش رسانه، پژوهش های ارتباطی، دوره نهم، شماره اول.

خواجه سروی، غلامرضا و بهرامی، سمیه (۱۳۹۳). تحلیل روابط ایران و عراق بر اساس گفتمان ایران هراسی، پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، جلد چهارم، شماره ۴.

داداندیش، پروین (۱۳۸۶). گفتمان ژئوپلیتیک در آسیای مرکزی: عرصه‌های تعامل ایران و روسیه، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، دوره سوم، شماره ۷، فروردین. دشتگرد، مجید (۱۴۰۰). چین و قدرت نرم با تاکید بر ادبیات جهان پسامریکایی، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال پنجم، شماره ۱، پیاپی ۱۶.

ساعد، نادر (۱۳۸۹). بازدارندگی نرم مبانی و کاربست دفاعی ان، فصلنامه راهبرد دفاعی، دوره ۸، شماره ۲۸، بهار.

سنجایی، علیرضا (۱۳۸۰). استراتژی و قدرت نظامی، تهران: نشر پازنگ سیفی، عبدالمجید و پورحسن، ناصر (۱۳۹۷). داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۱، شماره ۴۱، تابستان.

عسگری، محمود (۱۳۸۹). رویکرد انتقادی به نظریه قدرت نرم، فصلنامه راهبرد دفاعی، دوره ۸، شماره ۲۸، بهار.

عصام، وائل (۲۰۲۰). خروج آمریکا از عراق مسئله زمان است، نگاه کنید به

تارنمای الکترونیکی: foreignmedia.farhang.gov.ir/fa/news/509982

قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰). سیاست شناسی، نوبت چاپ: نهم، انتشارات: سمت.

کیوان حسینی، سید اصغر و جمعه زاده، راحله (۱۳۹۰). تبیین نظری قدرت نرم بر مبنای نگرشی فرانای به کاربست منابع غیر مادی قدرت در سیاست خارجی، دو فصلنامه پژوهش سیاست نظری، دوره جدید، شماره ۱۳.

گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۹). ایران و دیپلماسی عمومی: آسیب شناسی منابع و ابزارهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه سیاست خارجی، شماره ۲۴، شهریور.

متی، وسام (۲۰۲۰). با ترور سلیمانی گوی آتشین روی نقشه آشکار به راه افتاد، نگاه کنید به تارنمای الکترونیکی:

foreignmedia.farhang.gov.ir/fa/news/506836/

مطهری نیا، مهدی (۱۳۷۸). تبیین نوین بر مفهوم قدرت در سیاست و روابط بین‌الملل، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

مظفری، فرشته (۱۳۸۴). جایگاه قدرت نرم در استراتژی ج.ا. ایران در عراق جدید، مطالعات دفاعی راهبردی، شماره ۸، دوره سوم، تابستان.

معین، محمد (۱۳۸۷) فرهنگ معین، چاپ سوم، انتشارات: زرین. نای، جوزف (۱۳۷۸). قدرت در عصر اطلاعات: از واقع گرایی تا جهانی شدن، ترجمه: سعید میرترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نایینی، محمدعلی (۱۳۸۹). درامدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم، فصلنامه راهبرد دفاعی، دوره ۸، شماره ۲۸، بهار.

یزدان فام، محمود (۱۳۹۳). چشم‌انداز مناسبات نظامی - امنیتی عراق و آمریکا، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۷، دوره ۱۹.

منابع انگلیسی

Ayubi, Nazih (1991). *Political Islam: Religion and Politics in the Arab World* (London: Routledge,)

Dahl, Robert (1966). *“Further reflections on the elitist theory of Democracy”*. American Political Science Review.

Dietrich, Sandra (2006). *Public Beliefs About and Attitudes Towards People*

- with Mental Illness: A Review of Population Studies, *Acta Psychiatrica Scandinavica* 113(3).
- Fazio, Russell (2007). Attitudes as Object-Evaluation Associations of Varying Strength, *Social Cognition* 25(5).
- Freeman, M (2011). Human Rights. Key Concepts Series, Progress in Development Studies 13(1).
- Gove, P. B. Webster & O Sullivan P (1986). *Geopolitics*. Croom Helm: London.
- Hahiyousefi, Amirmohamad (2010). Iran's Foreign Policy during Ahmadinejad: From Confrontation to Accommodation, *Turkish Journal of International Relations*, Volume 9, Issue 2.
- Hesselink, [Emma \(2019\)](#). The Hashd Al-Shaabi: From heroes to ... what exactly?, see to: <http://www.meri-k.org/publication/the-hashd-al-shaabi-from-heroes-to-to-what-exactly/>
- Hunter, Shireen (2010). *Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era: Resisting the New International Order*, Publisher : Praeger.
- Manar English website (2019). See to: <https://english.almanar.com.lb/>
- Nye, Joseph (2003). *The Paradox of American Power: Why the World's Only Superpower Can't Go It Alone*, Harvard University.
- Nye, Joseph (2009), *Combining Hard and Soft Power*, *Foreign Affairs*, Vol. 88, No. 4
- Tabatabai, Arian and Martin, Jeffrey (2019). *The Iran Threat Network (ITN)(Four Models of Iran's Nonstate Client Partnerships* See to: https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR4231.html
- The white House (2019). See to: <https://www.nytimes.com/2019/05/13/world/middleeast/us-military-plans-iran.html>